اهمیت و نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده

نجیبه عباسی رستمی[1]

چکیده

خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، تأثیر بسیاری بر جامعه دارد تا آنجا که تحقق جامعه سالم و کارآمد، در پرتو وجود خانواده‌های سالم و کارآمد امکان‌پذیر است. اخلاق و معنویت، از جمله عواملی هستند که در کارآمدی خانواده نقش دارند. پژوهش‌های متعددی نیز این مسئله را ثابت کرده‌اند. این پژوهش در صدد بررسی اهمیت و نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده است. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و استفاده از تحقیقات، کتب و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده و کوشیده است به شناخت بهتری از مفهوم اخلاق و معنویت و نقش آنها در کارآمدی خانواده‌ها برسد. از این‌رو ابتدا مفهوم خانواده و کارآمدی آن و سپس مفهوم اخلاق، معنویت و نیز نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی خانواده‌ها بیان شده است. بر اساس نتایج این تحقیق، اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده نقش بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: خانواده، کارآمدی خانواده، اخلاق، معنویت.

---

۱. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، دانش‌پژوه سطح دو جامعه‌الزهرا(س). najibeh.abbasi@yahoo.com

مقدمه

خانواده، واحد اساسی جامعه و مکان مهمی برای رشد جسمی و روحی فرد است. (Dai and Wang,2015) اهمیت خانواده تا آنجاست که از نظر ادیان الهی از جمله اسلام، مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه به شمار می‌آید. در واقع خانواده، واحدی عاطفی ـ اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام و شفادهندگی، اولین مبدأ کسب هویت و تربیت و تعلیم، مهم‌ترین منبع حمایت اجتماعی، تسهیل‌کننده رشد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اعضا، عامل زیربنایی در تربیت عاطفی، تأمین اقتصادی و احساس تعلق، محوری‌ترین محیط تربیتی مؤثر در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی و بهترین محیط برای تأمین نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی، اجتماعی شدن و آشنایی با قوانین، نقش‌ها و ارزش‌های فرهنگی است. (طهماسیان و همکاران، ۱۳۹۷) افراد در بطن خانواده پرورش می‌یابند و ویژگی‌های سالم یا ناسالم خود را وارد اجتماع می‌کنند؛ از این‌رو سلامت جامعه به سلامت خانواده‌های آن وابسته است. (نایبی و همکاران، ۱۳۹۳)

اثرگذاری خانواده بر اجتماع تا آنجاست که تحقق جامعه سالم و کارآمد، تنها در پرتو وجود خانواده‌های سالم و کارآمد امکان‌پذیر است. از این‌روست که صاحب‌نظران و اندیشمندان این حوزه، توجه خاصی به کارآمدی خانواده و نیز عوامل تأثیرگذار بر رشد و پویایی و یا اختلال و بیماری آن داشته و هر یک از منظری خاص به ساختار و کارکرد خانواده نگریسته‌اند. (صفورایی پاریزی و همکاران، ۱۳۹۴) خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های خود و دیگر اعضا را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند. (صفورایی، ۱۳۸۸)

کارآیی خانواده در تحقق وظایفی که دارد، شاخص مناسبی برای سنجش کارآیی افراد جامعه است. اختلال در کارآیی خانواده موجب بروز مشکلاتی در منظومه آن می‌شود و در صورت تشدید مشکلات، خانواده را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد. افزایش نرخ طلاق در

جوامع مختلف طی دهه‌های اخیر، گویای بروز اختلال در کارایی خانواده‌هاست. (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۵)

آنچه خانواده را به عنوان اصلی‌ترین پایگاه و مهم‌ترین دانشگاه تربیتی و اخلاقی مطرح می‌کند، چیزی فراتر از کمیت افراد خانواده و نقش‌های آنها و در واقع، کارآمدی نقش‌های افراد و نحوه استفاده بهینه از ظرفیت‌های وجودی برای ایجاد ارتباطی گرم و پایدار است. جایگاه والا و حساس خانواده در ادیان بزرگ الهی و به‌ویژه اسلام از این‌روست که اگر این نهاد مقدس بتواند از کمال ظرفیت وجودی خود بهره ببرد و خود را به باروری کامل برساند، اجتماع نیز از نیروی عظیمی بهره‌مند می‌شود. در چنین شرایطی است که می‌توان منتظر شکل‌گیری نیروی قدرتمند اخلاقی در جامعه بود تا بشر امیدوارانه‌تر از گذشته به آینده خود بنگرد. (نوربخش، ۱۳۸۵)

از نظر جامعه‌شناسان اعمالی همچون تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و کنترل و نظارت را مهم‌ترین کارکرد خانواده می‌دانند. نقش بی‌بدیل خانواده در پرورش معنوی را نیز باید به این کارکردها افزود. تحولات خانواده در دهه‌های اخیر، تمامی کارکردهای ذکر شده را در معرض آسیب قرار داده است. خانواده‌های امروز به علت تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... درگیر بحران هستند و روابط خانوادگی، روابط والدین، رشد جمعیت، نقش اجتماعی و سیاسی در خانواده و ... منجر به بروز بحران در خانواده شده است. از آنجا که اخلاق و معنویت، نقش مهمی در کارآمدی خانواده دارند؛ این پژوهش به صورت توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به دنبال بررسی اهمیت و نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده است.

مفهوم کارآمدی خانواده

کارآمدی خانواده در نظریه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته، همه صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه خانواده به عوامل تأثیرگذار بر رشد و پویایی و یا اختلال و بیماری آن توجه کرده و هر یک از منظری خاص به ساختار و کارکرد خانواده نگریسته‌اند. (صفورایی پاریزی و همکاران، ۱۳۹۴) کارآمدی خانواده، به خصوصیات سیستماتیک خانواده اشاره دارد. در واقع کارآمدی خانواده به معنای توانایی آن در انطباق با تغییرات در طول زندگی، حل اختلافات، همبستگی میان اعضا، موفقیت در الگوهای انضباطی خانواده و اجرای قوانین و اصول با هدف حمایت از کل سیستم خانواده است. (Alizadeh Sahraee et al,2011).

کارآمدی خانواده که شاخص مناسبی برای سنجش کارایی افراد جامعه است، (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۵) عبارت است از اینکه الگوهای خانواده تا چه اندازه در کسب هدف‌های آن، مؤثر و سودمند واقع شده‌اند. (موسوی، ۱۳۸۲) کولاپینتو (۱۹۹۱) خانواده‌ای را که به شیوه شایسته‌ای از عهده تغییرات و تحولات درونی یا بیرونی بر می‌آید، خانواده کارساز و کارآمد نامیده است. وی معتقد است که ملاك کارآیی خانواده، به معنای نداشتن و نبودن فشار روانی، تعارض و مشکل در آن نیست؛ بلکه ملاك کارآیی، این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش تواناست و این مسئله نیز به ساخت و توانایی سازگاری خانواده بستگی دارد. در مقابل خانواده ناسازگار، خانواده‌ای است که قادر به رفع نیازهای تکاملی، حل مشکلات و تعارض‌های خود نیست و کارکردهایش مختل است. بنابراین خانواده‌هایی که در آستانه فروپاشی هستند یا فرو پاشیده‌اند، در حیطه‌های گوناگون عملکرد درون‌خانگی دچار مشکل بوده‌اند. ساختار قدر در این نوع خانواده‌ها عموماً هرج و مرج‌گونه است؛ به‌گونه‌ای که یکی از والدین تمام قدرت را در اختیار دارد یا چون والدین از این نقش شانه خالی می‌کنند، فرزند یا فرزندان کنترل اوضاع را به دست می‌گیرند. (محمودیان و حیدری، ۱۳۸۷)

قضاوت درباره الگوهای کارآمد (یا ناکارآمد) به درک بهنجاری، سلامت و نیز ملاحظات

اجتماعی ـ فرهنگی بستگی دارد. پایبندی به تعهدات همسری، مهارت‌های ارتباطی مؤثر، انعطاف‌پذیری زوجین، احترام متقابل اعضای خانواده و مقابله با بحران‌های اجتناب‌ناپذیر در زندگی به کمک یکدیگر، از جمله عواملی هستند که می‌توانند در ثبات خانواده تأثیرگذار باشد. (بخشی زنجیرانی و علی مندگاری، ۱۳۹۶) شاخص‌های خانواده کارآمد در منابع معتبر دینی در سه مقوله بینشی، اخلاقی و حقوقی طبقه‌بندی شده‌اند. در شاخص بینشی به مهم‌ترین باورهای دینی، یعنی ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و اعتقاد به معاد اشاره می‌شود که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و آن را به خانواده‌های کارآمد تبدیل می‌کند. شاخص اخلاقی، آموزه‌های اخلاقی و ارزش‌های الهی انسانی است که رفتار انسان را تنظیم می‌کند و بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است. شاخص حقوقی، شناخت از حقوق و وظایف است که بازخورد افراد نسبت به اعضای خانواده و حوادث درون آن را شکل می‌دهد. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸)

از دیدگاه صفورایی و همکاران (۱۳۹۴)، ابعاد کارآمدی خانواده عبارتند از:

۱. رعایت حقوق به معنای احترام به حقوق اعضای خانواده، صبر و مدارا برای سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری و توجه به تفاوت‌های زن و مرد؛

۲. رضامندی و رشد به معنای رضایت از رفتار، اخلاق، رابطه، کمک به تکامل معنوی و پیشرفت، حمایت و کمک به همدیگر؛

۳. رابطه عاطفی و کلامی، بیانگر ابراز محبت و خوش‌زبانی، تشکر و تحسین، عذرخواهی و گذشت از خطاها؛

۴. اندیشه دینی، یعنی اعتقاد به اینکه خداوند حاضر و ناظر اعمال ماست، الگو بودن اهل‌بیت علیهم‌السلام، وجوب شکرگزاری نعمت‌های الهی و طلب کمک از خداوند برای حل مشکلات زندگی؛

۵. مسئولیت‌پذیری و مشارکت، حاکی از قبول مسئولیت تحصیلی، اخلاقی و ازدواج فرزندان، مسئولیت والدینی و مشارکت در امور منزل؛

۶. رفتار دینی به معنای شرکت در مراسمات مذهبی و پایبندی به امور دینی و انجام اعمال عبادی؛
۷. اعتماد و بخشش، نمایانگر اعتماد اعضای خانواده به همدیگر و بخشش خطاهای همدیگر؛
۸. صداقت، یعنی عمل به وعده‌ها و پرهیز از دروغگویی. (صفورایی پاریزی و همکاران، ۱۳۹۴)

اهمیت کارآمدی خانواده

کارکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای آن، تعامل و حفظ روابط و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل اعضا اطلاق می‌شود. بی‌توجهی به کارکردهای خانواده موجب بروز نوعی عدم تعادل می‌شود که به دنبال آن خانواده دچار بحران می‌شود. در واقع ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و دشواری‌های ارتقای سلامت جامعه، در ارتباط تنگاتنگ با کارکرد و عدم سلامت نهاد خانواده است. تعارض شخصیت افراد، اختلال در رفتارهای فردی و اجتماعی، جرم و بزه، افت تحصیلی، گریز از خانه و مدرسه، خشونت، اعتیادهای سنتی و مدرن، خودکشی و طلاق، فسادهای اخلاقی، رفتارهای ناسالم جنسی و ...، همگی ریشه در فضای ناسالم و آشفته فرهنگی ـ تربیتی خانواده دارد.

کارکرد خانواده، جنبه مهم محیط خانوادگی است که سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع وقایع رخ داده درون خانواده و چگونگی کارکرد آن می‌تواند عاملی کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات فعلی و بعدی مرتبط با رویدادهای ناگوار و شرایط نامناسب باشد. محیط‌های خانوادگی برانگیزاننده و پرورش‌دهنده، این توانایی را در فرزندان ایجاد می‌کنند که یاد بگیرند و پیشرفت کنند؛ در حالی که محیط‌های خانوادگی ناکارآمد می‌توانند برای بسیاری از جنبه‌های رشد فرزندان و انتقال مثبت آنان به بزرگسالی مضر باشند. در رویکرد سیستمی، کارکرد خانواده همچون پدیده‌های رشدیابنده در نظر گرفته می‌شود که به ساختار رشدی و اجتماعی خانواده بستگی دارد. مطابق این رویکرد، کارکرد خانواده مستلزم انسجام بخشیدن و نگهداری موجودیت خانواده و توانایی آن برای انجام دادن وظایف اساسی برای رشد و رفاه اعضای

خانواده است. خانواده، ارزش‌های خود را تکامل می‌دهد و انتظارات در مورد نقش‌ها و قوانین ارتباطی را فراهم می‌کند. رویکرد سیستمی، خانواده را سیستمی با تعاملات مداوم میان زیر سیستم‌های فردی و هم‌زمان مانند یک زیر مجموعه در محیط خود در نظر می‌گیرد. (زارع و همکاران، ۱۳۹۳)

مفهوم اخلاق

خُلق، عبارت از شکل درونی انسان است؛ چنانکه خُلق، شکل ظاهری اشیاء است. غرایز، ملکات و صفات روحی و باطنی انسان، اخلاق نامیده می‌شود و به اعمالی نیز که از این خلقیات ناشی می‌شود، اخلاق می‌گویند. رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای مستقیم و الزامی است. استواری و محکم بودن خانواده‌ها، حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی است. (بهرامی و نمازی، ۱۳۹۵)

اخلاق، عبارت است از علم چگونه زیستن و به دنبال پاسخ دادن به این سؤال که که زندگی نیک برای آدمی کدام است و آدمیان باید چگونه عمل کنند. اخلاق از دو جنبه چگونه رفتار کردن و چگونه بودن، به انسان دستور چگونه زیستن می‌دهد. چگونه رفتار کردن، به اعمال انسان همچون گفتار و چگونه بودن، به چگونگی و کیفیت خوی‌ها و ملکات انسانی مربوط می‌شود. در رابطه با اخلاق گاه تصور می‌شود داشتن باورهای دینی و عمل به احکام عبادی و فقهی، در دینداری مهم است و رفتارها و صفات اخلاقی در حکم ظاهر دینداری هستند. در سنجش دینداری نیز معمولاً به رفتارهای عبادی و حضور در محل‌های عبادت توجه، و امور اخلاقی کمتر به عنوان مؤلفه‌ای از دینداری در نظر گرفته می‌شود. تصور دیگر آن است که دین مربوط به ارتباط ما با خدا، انجام مراسم و آیین‌های مذهبی و نیز رعایت واجبات و دوری از محرمات و اخلاق، مربوط با دیگران و جامعه است، اما دین به رابطه ما با دیگران نیز وارد می‌شود و این مسائل معمولاً بخش اساسی از تکالیف دین را تشکیل می‌دهند. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸)

انواع اخلاق

به تعبیر برخی اخلاق‌پژوهان معاصر، انسان دارای چهار نوع رابطه است؛ رابطه با خدا، با خود، با مردم و با جهان پیرامون خود. در هر یک از این روابط، می‌توان برای اخلاق جایگاهی تصور کرد.

۱. **ارتباط با خدا (اخلاق بندگی)**

مراد هنجارها و ناهنجارهایی مانند ایمان، خضوع، خشوع، پرستش، اخلاص، شکر منعم، خوف، توکل، کفر، سرکشی و بی‌اعتمادی به خداست که به رابطه انسان و خدا مربوط می‌شود . اساس و پایه همه شرایع و فضایل است.

۲. **ارتباط با خود (اخلاق فردی)**

آراستگی و اتصاف به فضایل نفسانی، بخشی از مباحث اخلاق را تشکیل می‌دهد؛ مانند فضیلت‌های صبر، حکمت، توکل، اخلاص و عزت‌نفس و رذیلت‌های پرخوری، شتاب‌زدگی و سبک‌مغزی.

۳. **ارتباط با همنوع (اخلاق اجتماعی)**

مراد از اخلاق اجتماعی، ارزش‌ها و ضدارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌هاست؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان، محبت، تواضع، ایثار، نوع دوستی، حسد و تکبر.

۴. **ارتباط با جهان پیرامون (اخلاق زیست‌محیطی)**

احکام ارزشی حاکم بر مناسبات انسان با طبیعت (گیاهان، حیوانات، مراتع، جنگل‌ها و آب‌ها) را بیان می‌کند. (فلاح و کرنوکر، ۱۳۹۷)

اخلاق در اسلام

اخلاق اسلامی، در اعتقاد به توحید و یکتاپرستی ریشه دارد و دین در حقیقت، پایه و مبنای اخلاق است. اعتقاد به خدا، محور و پشتوانه همه فعالیت‌های انسان در عرصه جامعه است. قرب به خداوند، انگیزه‌ای الهی در انسان ایجاد می‌کند و این انگیزه است که

مبنای ارزش‌گذاری رفتارهای اخلاقی یک انسان دین‌مدار است. اخلاق اسلامی با ویژگی خاص و بُعد متعالی خود، تضمین‌کننده سعادت انسان‌ها در همه عصرها و ره‌توشه همه رهپویان راه کمال است. (خارستانی و همکاران، ۱۳۹۲)

اخلاق در خانواده

خانواده، کانون احساسات و عواطف و اصلی‌ترین پایگاه رشد است. بهترین ابزار تربیت و رشد اخلاق را در این محیط می‌توان یافت. رشد اخلاقی در خانواده، فرایندی دوسویه و پویا و خلاقانه است. بهره‌گیری از اخلاق از یك‌سو موجب تأمین نیازهای عاطفی و تربیت صحیح اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر، ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی به سهولت انتقال می‌یابد. همچنین کمال انسانی و حیات اجتماعی بشر، در پرتو کمال نهاد خانواده شکل می‌گیرد و ترسیم الگوی جامع خانواده موفق و متعالی، در پرتو آموزه‌های وحیانی و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام تجلی می‌یابد. اصول و ارزش‌های اخلاقی خانواده از مهم‌ترین، بنیادی‌ترین، محسوس‌ترین و پرکاربردترین مقولات در آموزه‌های اسلامی است؛ زیرا موجب قوام و تقویت بنیان خانواده و ضمانت اجرای قوانین و مقررات دینی می‌شود و به بهتر شدن روابط و استحکام خانواده کمك می‌کند. در نتیجه برخورداری از فضایل اخلاقی و اهتمام بر حفظ و رعایت آن، صفا و صمیمیت را به ارمغان می‌آورد و فضای خانه را پر نشاط و بالنده می‌کند تا در راستای آن، جامعه انسانی در مسیر کمال حقیقی و رشد اخلاقی قرار گیرد. (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳)

اخلاق و کارامدی خانواده‌ها

رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای مستقیم و الزامی است؛ زیرا انسان جز در محیط امن و سازنده خانواده، هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد. بنابراین انسان که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به طور کلی استواری و محکم بودن خانواده‌ها،

حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی است. (حسن‌زاده، ۱۳۹۲)

صفورایی پاییزی (۱۳۸۸) پژوهشی با هدف اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده انجام داده است. در این مقاله، آموزه‌های اخلاقی خانواده از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که در منابع دینی برای تمام جنبه‌های زندگی خانوادگی که کانون تربیت، رشد مادی، معنوی، فردی و اجتماعی است؛ دستورالعمل‌های اخلاقی بیان شده است و پایبندی به آنها تضمین‌کننده کارآمدی خانواده است. صبر، راستگویی، تکریم، احترام متقابل، مدارا با یکدیگر، دلسوزی، مهربانی و مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی، از مهم‌ترین رفتارهای اخلاقی هستند که بر کارآمدی خانواده تأثیر مستقیم دارند.

آرامش در زندگی، در سایه التزام به فضیلت‌های اخلاقی ممکن است و بدون آنها حتی در زندگی روزمره دچار گرفتاری و ناراحتی خواهیم بود. اگر انسان بخواهد در زندگی دنیوی هم آسوده باشد و دور از نگرانی‌ها و اضطراب‌های ویرانگر به سر ببرد، راهی جز اصلاح صفت‌های زشت و پاک‌سازی دل از خلق و خوهای پلید ندارد. صفاتی همچون خوشرویی، تواضع، قناعت، اخلاص، بلندهمتی و ... انسان را از دغدغه‌های بی‌حاصل و پریشانی‌های بدفرجام نجات می‌دهد و بر عکس، اوصافی مانند خودخواهی، حرص، حسد، بخل، بدبینی و بدخواهی او را گرفتار می‌کند و زندگی دنیوی او را پر رنج و ناخوشایند می‌سازد. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸)

حقوق خانواده مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی است. در این کانون مقدس، حقوق و اخلاق آنچنان به یکدیگر آمیخته است، که یکی از دیگری قابل تشخیص نیست. خوش‌رفتاری، مهر و محبت، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق و تکالیف از سوی زن و شوهر، خاستگاهی جز اخلاق اسلامی و پایبندی به اصول آن ندارد. یکی از عوامل مؤثر در پایداری زندگی مشترک، رفق، مدارا و حسن معاشرت است. خوی نرم، اخلاق خوش و شکیب داشتن دیگران، نه تنها در زندگی اجتماعی، بلکه در کانون خانواده نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

است. مدارا، موجب جلب محبت می‌شود و زندگی مشترک را از اضطراب و آشفتگی درونی و ناسازگاری دور می‌کند و وسیله بقا و پایداری زندگی می‌شود. با مدارا می‌توان زمینه‌های تعارض را که به صورت طبیعی و نتیجه سلایق متفاوت است، برچید. البته مدارا به معنای بی‌تفاوتی در زمینه اوامر و نواهی الهی نیست؛ بلکه در راستای عمل به فرامین ارزشمند الهی است. (نوذری، ۱۳۸۸)

اعضای خانواده‌هایی که در فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی ـ اخلاقی، فکری ـ فرهنگی و نظم و سازماندهی تأکید بیشتری دارند؛ از میزان سرسختی بیشتری برخوردارند. نگرش اخلاقی در روند زندگی، موجب آسان‌سازی و بهبود روابط می‌شود. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بخشودگی به عنوان یک عامل مهم هوش اخلاقی، به بهبود روابط و ابراز خشم مناسب و التیام زخم‌های عاطفی زوجین کمک می‌کند و آموزش بخشودگی بر افزایش سازگاری زناشویی مؤثر است. (گل‌محمدیان، ۱۳۹۵)

ازدواج مناسب و امنیت زناشویی شرایط علّی ایجادکننده خانواده کارآمد و بهنجار هستند. هر اندازه روابط میان همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و باصفاتر می‌گردد و فرزندان با نشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند. (بخشی زنجیرانی و علی مندگاری، ۱۳۹۶)

از آنجا که هدف اساسی در ازدواج، سکون و آرامش است؛ بنابراین با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه، عدم رعایت اصول اخلاقی به عنوان عامل برهم زننده این تسکین و آرامش در میان زوجین می‌تواند موجب بر هم خوردن کانون گرم خانواده و بروز درگیری و در اغلب موارد جدایی زوجین و برجا گذاشتن لطمات فراوان برای خانواده باشد. در خانواده‌هایی که حریم خانواده توسط زوجین و حتی اطرافیان آنها حفظ شود و مراقبت‌های اخلاقی در حوزه‌های مرتبط (معاشرت با دیگران، دخالت اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی) صورت گیرد و برای گذران سالم اوقات فراغت برنامه‌ریزی می‌شود، به وضوح ثبات و آرامش بیشتری درون خانواده حکمفرما خواهد شد. (بخشی زنجیرانی و علی مندگاری، ۱۳۹۶)

پژوهش زارعی (۱۳۹۹) نیز تأییدکننده این مطلب است. وی پژوهشی با هدف بررسی نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی انجام داده است. یافته‌ها نشان داد که اثر مستقیم هوش اخلاقی بر صمیمیت زناشویی و هوش معنوی بر صمیمیت زناشویی به طور مثبت معنادار است. نویسنده پیشنهاد داد که در کنار تقویت هوش اخلاقی و هوش معنوی با کمک به ارتقای صمیمیت زناشویی می‌توان میزان تعهد زناشویی را ارتقا داد.

گل محمدیان (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ابعاد عملکرد خانوادگی در زنان انجام داد. نتایج نشان داد که آموزش هوش‌های اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر ابعاد عملکرد خانوادگی زنان (حل مسئله، نقش‌ها، ارتباط، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار) تأثیر معناداری داشته است. در کل، یافته‌ها لزوم گنجاندن برنامه آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی را در برنامه‌های آموزش خانواده و زوجین یادآور می‌کند.

مفهوم معنویت

قدمت مفهوم معنویت همزاد با خلقت انسان است در واقع، معنویت آن جنبه از حیات فردی و جمعی و بیانگر رابطه‌ای آگاهانه است که فرد، در ارتباط با امور متعالی دارد. معنویت جست‌وجویی برای انسان شدن و آگاهی در زندگی و نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که مانع بروز حالت‌های نفسانی نامطلوب مانند غم و اندوه، ناامیدی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی و ... می‌شود. (شیخی و عباسی، ۱۳۹۱)

معنویت در زبان عربی از ریشه «عنی»، منسوب به معنی، خلف مادی و حالت نفس و باطن است. به عبارت دیگر آنچه که از زبان بهره‌ای ندارد و تنها با قلب شناخته می‌شود. دهخدا «معنویت» را این‌گونه معنا کرده است: «معنوی بودن، مصدر جعلی معنوی و معنوی یعنی با معنا، منسوب به معنا، مربوط به معنا؛ مقابل لفظی، مادی، صوری و

ظاهری و معادل راست، حقیقی، اصلی، ذاتی مطلق، باطنی و روحانی و نیز معنایی که فقط به وسیله قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست». (ترک‌زاده و راضی، ۱۳۹۶)

تعریف اصطلاحی این مفهوم نیز شامل دو نگاه بومی و غیربومی می‌شود. در نگاه غربی، معنویت یعنی احساس وابستگی و در هم تنیدگی عمیق و به شدت شهودی بین انسان و جهانی است که در آن زندگی می‌کند؛ اما در نگاه بومی و اسلامی، معنویت حالتی نفسانی و ذو مراتب است که در ارتباط با خدا یا امر متعالی در روان خودآگاه آدمی از طریق تعقل، جوشش درونی و عمل بیرونی آگاهانه یا نا آگاهانه پدید می‌آید و بر شیوه نظر و عمل شخص تأثیرگذار می‌باشد. (همان).

معنویت در اسلام

برای تبیین معنویت از منظر اسلام، باید دین را به عنوان جهان‌بینی اصلی و حاکم بر گفتمانی که معنویت را مطرح می‌کند، در نظر گرفت. مفهوم معنویت ذیل دین، دارای ویژگی‌هایی ذیل است:

۱. معنویت در ارتباط با وجود خالق معنا می‌یابد؛
۲. ریشه در فرا محسوسات دارد؛
۳. باید در تحول و هدایت زندگی فرد معنوی مؤثر باشد؛
۴. دستیابی به معنویت باید از طریق راهنمایی‌های دین باشد.

بنابراین معنویت از منظر دینی، معنادار کردن و ایجاد ارتباط با عالم ماورا و پذیرش عالمی غیر از عالم موجود است. در نگاه دینی، کسی معنوی تلقی می‌شود که باورها و اعمال دینی مشخصی داشته باشد. (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴)

پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته، دسته‌بندی‌های گوناگونی از مبانی و اصول معنویت در اسلام و قرآن ارائه داده‌اند که به طور کلی می‌توان مبانی معنویت در نگاه قرآن را به سه دسته مبانی اعتقادی، اخلاقی و عبادی تقسیم کرد. مبانی اعتقادی معنویت در

قرآن بر اصول روح الهی، فطرت، عالم غیب و شریعت قرار گرفته است. مبنای اعتقادی، شالوده و اساس شکل‌گیری معنویت را فراهم می‌آورند که به انسان‌ها در توسعه و پرورش همه جانبه استعدادها و قوای آنان کمک می‌کند. مبنای اخلاقی نیز اصول و قواعد مهم رفتاری را بیان می‌کند که تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها می‌باشد. این اصول به افراد کمک می‌کند تا سازنده رابطه مطلوبی با یکدیگر و با خالق خویش باشند و به سعادت دنیا و آخرت دست یابند. در نهایت نقطه تمرکز مبنای عبادی، رابطه انسان با خداوند است. در بُعد عبادی، انجام واجبات و مستحباتی است که خداوند دستور داده است و آنجام آنها به تقویت معنویت افراد کمک می‌کند. (ترک‌زاده و راضی، ۱۳۹۶)

معنویت و کارامدی خانواده

محققان معتقدند که مذهب و معنویت از طریق چهار سیستم اصلی «فردی»، «خانوادگی»، «ساختاری» و «اجتماعی» بر زندگی روزمره ما اثر می‌گذارند که این مسئله، بیانگر گستره نفوذ این عوامل در دنیای فردی و ارتباطی ما انسان‌هاست. معنویت و باورهای معنوی که از عوامل مهم تأثیرگذار بر تاب‌آوری خانواده‌ها به شمار می‌روند، همواره مورد توجه متخصصان و پژوهشگران خانواده بوده‌اند. معنویت، همان آگاهی از اصل الهی یا روحانی است که شالوده و مبانی زندگی روزمره است و معنا و آموزه‌هایی را برای حیات دنیوی فراهم می‌کند. (طالب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲)

خانواده چیزی بیش از مجموع افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، از پیوند میان زن و مرد به وجود می‌آید. از آنجا که هر یک از همسران، تأثیرات و سوابق ذهنی خود را نیز به خانواده تازه تشکیل‌یافته می‌آورند، در واقع آن دو از قوانین نانوشته و نهایی تبعیت می‌کنند. بروز سوءبرداشت‌ها، رنجش‌ها، خشم‌ها و برون‌ریزی‌ها حاکی از وجود اشکالی در کار است. معنویت، خارج کردن و دمیدن روح در زندگی فرد است که به مثابه یک فرایند و غیرفعال تجربه می‌شود. همچنین

قابلیت و گرایشی است که برای هر فرد، فطری و منحصر به فرد است. این گرایش معنوی، افراد را به سمت معرفت، عشق، معنا، آرامش، امیدواری، تعالی، پیوند، شفقت، خوبی و یکپارچگی سوق می‌دهد. معنویت قابلیت فرد برای آفرینندگی، رشد و تحول یک نظام ارزشی را در بر می‌گیرد و شامل مجموعه‌ای از پدیده‌ها مانند تجربیات عقاید و اعمال است. بنابراین می‌توان انتظار داشت افرادی که از نظر معنوی از سطح بالاتری برخوردارند، دارای کارکرد مطلوب‌تری در نظام خانوادگی خود باشند. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲)

خانواده برخوردار از باورهای مذهبی، به پیام‌های دینی برای دوری از رفتارهای آسیب‌زا توجه دارند، به قید و بندهای دینی و عرفی تعهد بیشتری نشان می‌دهند، به دستورات و رفتارهایی که انسجام و استحکام خانواده را تقویت می‌کند، توجه بیشتری می‌کنند و به هنگام بروز تعارض در روابط خانوادگی، از طریق مفاهیم و ارزش‌های معنوی، مشترک اختلاف‌نظر داخل خانواده را تعدیل می‌کنند و مانع بروز واکنش‌های تند و آسیب‌زا می‌شوند. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸)

سلامت معنوی، فضایی را در خانواده ایجاد می‌کند که پدر، مادر و فرزندان می‌توانند احساسات و باورهای دینی‌شان را در آن رشد و پرورش دهند که این امر موجب پایداری و توانمندسازی بیشتر خانواده می‌شود. سلامت معنوی با اعطای روحیه شهامت، شجاعت و فداکاری، اطمینان قلبی و آرامش روحی و برخورداری از زندگی پاکیزه به ارتقای سلامت خانواده و نیز پیشرفت اعضای آن کمک می‌کند. از این‌رو با توجه به تغییر سبک زندگی در جهان امروز و گسترش علم و صنعت، باید بر تحکیم روابط و ساختار خانواده بر مبنای راهکارهای دینی و ارتقای معنویت تأکید و برنامه‌ریزی نمود. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸)

معنویت همواره با معنا و معنایابی همراه بوده است. معنویت در خانواده با مکانیسم‌های خاص خود، باورهای مثبت و کارآمدی را در اعضای خانواده پرورش می‌دهد، مانع جای گرفتن باورهای مخرب ارتباطی در سیستم شناختی آنها می‌شود و از این طریق می‌تواند کیفیت ارتباطات و زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد. (صیدی و همکاران، ۱۳۹۰)

هوشیاری و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی با هدف نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی در رابطه هوش معنوی و کارآمدی خانواده انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و کارآمدی خانواده، رابطه مثبت، و بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده تنها در زیرمؤلفه تولید معنای شخصی، رابطه مثبت وجود دارد.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۲) نیز پژوهشی با هدف پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس میزان معنویت انجام دادند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که از روی نمرات متغیر معنویت به عنوان متغیر پیش‌بین، می‌توان میزان کارکرد خانواده را به عنوان متغیر ملاک مورد پیش‌بینی قرار داد. به عبارت دیگر بین متغیرهای معنویت با متغیر کارکرد خانواده، رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

میرزایی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش معنویت، در کیفیت ارتباط خانواده پرداخته است. در این پژوهش برای بررسی نقش معنویت، عناوینی مانند تعریف خانواده، کیفیت روابط خانواده، ارتباط خانواده، تقدس ازدواج، تقدس والدگری و ارزیابی شخصی بحران خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نویسنده چنین نتیجه‌گیری کرده است که خانواده‌های با معنویت بالا، می‌توانند از طریق داشتن ارتباطی مناسب و نیز عوامل مؤثر دیگر، مقابله بهتری در برابر تنش‌های درونی و بیرونی خانواده از خود نشان دهند.

پژوهشی نیز با هدف بررسی نقش معنویت در خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی توسط هاشمی شیخ‌شبانی (۱۳۹۷) انجام شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نقش معنویت در خانواده یعنی همان عبادت، بندگی، توکل، عفت، اخلاق نیکو و بسیاری از امور معنوی و نیز الگو گرفتن از اسوه‌های قرآنی و آموزه‌های دینی، تداوم و آرامش زندگی زناشویی و خانواده را ممکن می‌سازد و محیط خانواده و اجتماع را از هر گونه آسیب محفوظ می‌دارد. بنابراین خانواده‌ها نیازمند توصیه‌های دینی، تربیتی و روان‌شناختی بسیاری برای مقابله با پیچیدگی‌های زندگی کنونی هستند تا بتوانند به سمت سعادت و کمال واقعی قدم بردارند.

وارسته و برادران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که با هدف پیش‌بینی هوش معنوی بر اساس عملکرد خانواده، به این نتیجه دست یافتند که میان تمامی مؤلفه‌های هوش معنوی با مؤلفه‌های عملکرد خانواده، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. بدیهی است ارتقای میزان هوش معنوی می‌تواند موجب عملکرد مطلوب‌تر خانواده شود. همچنین پژوهش‌های انجام شده در بررسی رابطه میان نگرش دینی و عملکرد خانواده‌ها ثابت کرده‌اند که هر اندازه نگرش دینی قوی‌تر باشد، عملکرد خانواده نیز مطلوب‌تر است. وجود باورهای دینی تأثیر بسزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب هدفمند و معنادار شدن نگرش فرد به کل هستی می‌شود. (گل‌محمدیان، ۱۳۹۵)

از طرفی ارتباط میان‌فردی به‌ویژه ارتباط زناشویی، می‌تواند یکی از زمینه‌هایی باشد که تحت تأثیر معنویت قرار می‌گیرد. نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد؛ زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر کنند. بر اساس آموزه‌های دینی، یکی از مهم‌ترین مسائلی که زمینه آرامش و رضایت از زندگی زناشویی را فراهم می‌کند، پایبندی زوجین به دستورات مذهبی است. (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸)

ارتباط معنوی با خدا و اعتقاد مذهبی قوی ارتباط مستقیمی با سلامت روانی، به‌کارگیری مقابله مذهبی در برابر شرایط، تحمل روبه‌رو شدن با نگرانی‌ها و رویدادهای شدید و نیز شادکامی و سرسختی دارد و بر آنها اثر می‌گذارد. همچنین مشخص شده است که بهزیستی معنوی از طریق شکل‌دهی یک نظام ارزشی و معنای هدفمند مبتنی بر اعتماد به تصمیمات و حکمت خدا (به‌عنوان دانای مطلق)، نوعی مقابله معنوی به راه می‌اندازد و منجر به افزایش توان مقابله و سرسختی روان‌شناختی (تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی) می‌شود. با توجه به متغیر سرسختی روان‌شناختی، می‌توان پیش‌بینی نمود افراد واجد این ویژگی‌ها در مقابل فشارهای شغلی، خانوادگی و اجتماعی که اغلب اجتناب‌ناپذیرند، تحمل بیشتری دارند و لزومی به استفاده از روش‌های غیرمنطقی برای کنترل هیجان خود

ندارند. این افراد به جای اتکا به جنبه‌های ثابت زندگی، بر انجام تغییرات و تطابق با شرایط تمرکز دارند. چنین افرادی پیش‌بینی می‌کنند که تغییرات، فرصت‌هایی را برای رشد و توسعه آتی آنها فراهم می‌کند. (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸)

ازدواج مناسب و امنیت زناشویی، شرایط علّی ایجادکننده خانواده کارآمد و بهنجار هستند. در انتها به مرور دو نمونه از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، پرداخته می‌شود.

حسین‌دخت، فتحی آشتیانی و تقی‌زاده (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان «رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی» انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که میان هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

زارعی و احمدی سرخونی (۱۳۹۱) در پژوهشی به پیش‌بینی نقش مؤلفه‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با رضایتمندی زناشویی زوجین پرداختند. یافته‌ها نشان داد که از میان خرده مقیاس‌های مربوط به الگوهای ارتباطی و هوش معنوی زوجین، خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی از هوش معنوی بیشترین مقدار پیش‌بینی را در واریانس متغیر وابسته رضایت زناشویی و رابطه قوی و مثبت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

خانواده، سیستمی پویا و انعطاف‌پذیر متشکل از اعضا و ارتباط میان آنهاست که نیازهای مادی، اجتماعی، فرهنگی معنوی و احساسی یکدیگر را تأمین می‌کنند. در یک خانواده کارآمد، تمام این نیازها برآورده می‌شود. خانواده‌های امروزی با مسائل و بحران‌های اخلاقی متعددی مواجه هستند. نگاهی به افزایش آمار جدایی و مشکلات خانوادگی، شاهدی بر این مدعاست. اگر خانواده نتواند به هدف نهایی و کمال مطلوب خود برسد و یا حتی کارکردی ضد اخلاقی و مغایر با اصول تربیتی داشته باشد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم

نمی‌توان چشم امیدی به آینده داشت. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. این پژوهش با هدف اهمیت و نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده انجام شده است. در این پژوهش مفهوم اخلاق و معنویت شرح داده و درباره اهمیت اخلاق و معنویت بر کارآمدی در خانواده‌ها مطالبی بیان شد.

با توجه به نقشی که اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام خانواده دارند، شایسته است که به تقویت اخلاق و معنویت در خانواده‌ها پرداخته شود. تحکیم مبانی اعتقادی خانواده، آگاه‌سازی اعضای خانواده در خصوص اثرات مثبت اخلاق و معنویت در خانواده و نیز معرفی الگوهای معنوی و اخلاقی، از جمله پیشنهادات برای تقویت دو بعد اخلاق و معنویت در خانواده‌هاست. ارتباط با افراد مذهبی و با ایمان، رعایت حجاب، شرکت در مراسم‌های مذهبی و حضور در مجالس وعظ، خطابه و درس اخلاق، در تقویت معنویت در نهاد خانواده تأثیر دارد. همچنین ارائه الگوی مناسبی از معنویت به فرزندان برای تقویت روح دینداری و معنویت پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

فارسی

۱. بختیاری، افسانه؛ باکویی، فاطمه؛ سیدی اندی، سید جلیل و پاشا، هاجر، ۱۳۹۸، «نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه اسلام»، *نشریه اسلام و سلامت*، دوره چهارم، ش اول، ص ۳۸ ـ ۲۸.

۲. بخشی زنجیرانی، نجمه و علی ماندگاری، ملیحه، ۱۳۹۶، «ثبات خانوادگی و تداوم زندگی زناشویی: مطالعه‌ای کیفی در شهر شیراز»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۱۲، ش ۲۴، ص ۲۴۴ ـ ۲۰۷.

۳. بهرامی، سیده زهرا و نمازی، اسماعیل، ۱۳۹۵، «عوامل تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام»، کنگره علوم اسلامی. *علوم انسانی*، مؤسسه هم‌اندیشان مبتکر رادمان، دانشگاه تهران. دانشگاه مازندران.

۴. ترک‌زاده، جعفر و راضی، الهام، ۱۳۹۶، «تأملی بر معنویت محیط کاری از منظر رویکرد اسلامی و غربی: کاربرد در رفتار سازمانی»، *اسلام و مدیریت*، سال ششم، ش ۱۱، ص ۱۷۴ ـ ۱۴۹.

۵. جعفری، زهرا؛ شریفی زارچی، فاطمه و هوشیاری، جعفر، ۱۳۹۸، «رابطه هوش هیجانی و کارآمدی بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده در طلاب خواهر متأهل جامعه المصطفی العالمیه»، *پژوهش‌های روانشناسی اسلامی*، دوره ۲، ش ۱، ص ۶۶ ـ ۴۹.

۶. حسن‌زاده، حسن، ۱۳۹۲، «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»، *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۶۸ ـ ۴۵.

۷. خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه و منافی شرف‌آباد، کاظم، ۱۳۹۲، «نقش اخلاق اسلامی در رساندن انسان به کمال»، *اخلاق وحیانی*، سال اول، ش ۴، ص ۲۱۶ ـ ۱۶۱.

۸. زارعی، اقبال و احمدی سرخونی، طاهره، ۱۳۹۱، «نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره* دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲، ش ۲، ۱۱۶ ـ ۱۰۱.

۹. زارعی سلمان، ۱۳۹۹، «رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی زنان: نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی»، *رویش روان‌شناسی*، سال ۹، ش ۷، ص ۵۴ ـ ۴۵.

۱۰. حسین‌دخت، آرزو؛ فتحی آشتیانی، علی و تقی‌زاده، محمد احسان، ۱۳۹۲، «رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۲، ص ۷۴ ـ ۵۷.

۱۱. زارع، اعظم؛ خادمی، ملوک و یاراحمدیان، نسرین، ۱۳۹۳، «نقش مهارت‌های زندگی والدین در کارکرد خانواده و عملکرد تحصیلی فرزندان»، *فصلنامه علمی ـ پژوهشی خانواده و پژوهش*، سال سوم، دوره ۱۱، ص ۹۶ ـ ۷۹.

۱۲. سعیدیان جزی، مریم، ۱۳۹۳، «اصول و ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام»، *پژوهشنامه حکمت اهل‌البیت علیهم‌السلام*، سال دوم، ش ۱ (پیاپی ۲)، ص ۸۰ ـ ۶۱.

۱۳. سیفی، یاور و تقوی، محمدرضا، ۱۳۹۸، «رابطه بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌گری

سرسختی روان‌شناختی»، *دو فصلنامه روان‌شناسی معاصر*، دوره ۱۴، ش ۱، ص ۴۱ ـ ۳۱.
۱۴. شیخی، مریم و عباسی، رسول، ۱۳۹۱، «بررسی نقش معنویت در الگوی پیشرفت اسلامی»، کنگره پیشگامان پیشرفت، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۵. صیدی، محمدسجاد؛ پورابراهیم، تقی؛ باقریان، فاطمه و منصور، لادن، ۱۳۹۰، «رابطه بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن، با واسطه‌گری کیفیت ارتباط در خانواده»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، دوره ۲، ش ۵، ص ۷۹ ـ ۶۳.
۱۶. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، ۱۳۸۸، «اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده»، *معرفت اخلاقی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۱۸ـ ۹۱.
۱۷. صفورایی پاریزی، محمدمهدی؛ حیدری، سید حسین؛ هراتیان، عباسعلی و زارعی توپخانه، محمد، ۱۳۹۴، «بازشناسی ساختار عاملی مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، سال اول، ش ۳، ص ۴۳ ـ ۲۷.
۱۸. صفورایی، محمد مهدی، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام»، *مجله روانشناسی و دین*، ش ۵، ص ۱۰۸ ـ ۸۵.
۱۹. طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ صیدی، محمدسجاد؛ موسوی، سیدحسین و میرلو، محمدمهدی، ۱۳۹۲، «رابطه معنویت والدگری با کیفیت ارتباط در خانواده و سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان: تعیین نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط»، *خانواده و پژوهش*، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۲۱ ـ ۷.
۲۰. فلاح، محمدجواد و کرنوکر، نسیم، ۱۳۹۷، «مرزشناسی اخلاق فردی و اجتماعی و تحلیل ارزش‌گذاری آن با معیارهای اسلامی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۱۳۲ ـ ۱۱۳.
۲۱. کیانی، معصومه؛ محمود مهرمحمدی، علیرضا؛ صادق‌زاده قمصری، محمود نوذری و باقری، خسرو، ۱۳۹۴، «مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال هفتم، ش ۲، ص ۱۱۸ ـ ۹۷.
۲۲. گل‌محمدیان، محسن، ۱۳۹۵، «تأثیرات آموزش هوش اخلاقی، معنوی و فرهنگی بر عملکرد خانوادگی زنان»، *فصلنامه فرهنگی. تربیتی زنان و خانواده* (فرهنگی ـ دفاعی زنان و خانواده سابق)، سال دهم، ش ۳۴، ص ۶۹ ـ ۵۱.
۲۳. میرزایی، نیکتا، ۱۳۹۴، «بررسی نقش معنویت، در کیفیت ارتباط خانواده»، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی ـ اسلامی و با تأکید بر پژوهش‌های نوین، ساری.
۲۴. موسوی، اشرف سادات، ۱۳۸۲، «خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی». تهران: دانشگاه الزهرا.
۲۵. نوذری، محمد، ۱۳۸۸، «پیوند اخلاق و حقوق خانواده»، *مطالعات قرآنی نامه جامعه*، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۳۵ ـ ۳۰.
۲۶. نوربخش، وحید رضا، ۱۳۸۵، «خانواده و شکوفایی ارزش‌های اخلاقی»، *مجله حدیث زندگی*، شماره ۲۹، ص ۴۱ـ ۳۸.

۲۷. وارسته، طاهره و برادران، مجید، ۱۳۹۶، «پیش‌بینی هوش معنوی بر اساس عملکرد خانواده در دانشجویان»، کنگره انجمن روانشناسی ایران.
۲۸. هاشمی شیخ شبانی، سیده عظیمه، ۱۳۹۷، «بررسی نقش معنویت در خانواده در پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی»، اولین کنگره ملی پیشگیری از آسیب های اجتماعی، اسفراین.
۲۹. هوشیاری، جعفر؛ تقیان، حسن و صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۹۵، «هنجاریابی مجدد پرسشنامه سنجش کارآمدی خانواده با استفاده از نظریه پرسش ـ پاسخ»، *دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ۱۰، ش ۱۹، ص ۱۱۴ ـ ۹۷.
۳۰. هوشیاری، جعفر؛ تقییان، حسن؛ محسنی، مهناز و حلیمی، معصومه، ۱۴۰۱، «رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده: نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۵۹.
۳۱. یوسفی، ناصر؛ قادرمرزی، حبیب‌الله و نظری‌پور، محمد، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس میزان معنویت، طب و تزکیه»، دوره ۲۲، ش ۴، صفحه ۶۶ ـ ۵۹.

منابع لاتین

1. Alizadeh Sahraee, O., khosravi ,Z., Yusefnejad, M., & Khosravipur, E. (2011). Relation of Family Efficiency with Positive and Negative Perfectionism in Iranian students, Procedia - Social and Behavioral Sciences 30 , 844 – 850.
2. Dai, L.T. and Wang, L.N. (2015) Review of Family Functioning. Open Journal of Social Sciences, 3,134-141.http://dx.doi.org/10.4236/jss.2015.312014